

برجام هنوز نفس می‌کشد



علی بیگدلی

کارشناس روابط بین‌الملل

توافق هسته‌ای وین یکی از بهترین توافقاتی بود که ایران می‌توانست در پرونده هسته‌ای با غرب منعقد کند. توافقی که اجرا شد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز گزارش‌های مکرری داد که ایران به توافق پایبند بوده و تمامی تعهدات خود را انجام داده است. با این وجود تهران بعد از خروج ترامپ از برجام تصمیم گرفت برخی از اقدامات هسته‌ای خود را از سر بگیرد و گام به گام این سیاست را اجرایی کرد. بعد از در قدرت قرار گرفتن بایدن در آمریکا این امید به احیای برجام دوباره زنده شد اما برخی اتفاقات موجب شد که عملاً شاهد احیای توافق هسته‌ای نباشیم. برخی معتقد هستند با توجه به موضع گیری‌های اروپایی‌ها احتمالاً دیگر برجام محلی از اعراب نخواهد داشت، اما به نظر می‌رسد اینگونه نیست و توافق هسته‌ای هنوز نمرده است و احتمالاً ایالات متحده هنوز هم این تصمیم را دارد که به برجام بازگردد. از این منظر باید گفت هنوز امید به احیای برجام وجود دارد. واقعیت آن است مسائلی که در ماه‌های گذشته در ایران رخ داد بر روند احیای برجام تأثیر گذاشته است. اتفاقی که در این مدت رخ داد این بود که کشورهای اروپایی مواضع غیر سازنده‌ای علیه ایران اتخاذ کرده‌اند. مواضع کشورهای اروپایی درباره اتفاقات داخلی ایران روی فضای برجام تأثیر گذاشته است. این در حالی است که آمریکا با احتیاط بیشتری درباره برجام از خود نشان می‌دهد. این موضوع نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها علاقه‌مند هستند که مذاکرات هسته‌ای دنبال شود و هنوز بر روی احیای برجام حساب باز کرده‌اند، چراکه آمریکا اولویت‌های دیگری دارد و تمایل ندارد در منطقه درگیری جدیدی ایجاد شود. اگر این درگیری ایجاد شود مشکلات و چالش‌های زیادی برای غرب به وجود خواهد آمد. آمریکا دوست ندارد این موقعیت احیای برجام را از دست بدهد و به همین دلیل هنوز همه پنجره‌های احیای برجام بسته نشده است. ایران نیز به دلیل شرایط اقتصادی به احیای برجام نیاز دارد. در نتیجه در شرایطی که ایران و آمریکا همچنان به ادامه مذاکرات تمایل دارند نمی‌توان عنوان کرد که برجام به پایان راه خود رسیده است. ایران و آمریکا هیچ کدام مرگ برجام را اعلام نکرده‌اند. به همین دلیل این احتمال وجود دارد که با توجه به نیاززی که طرفین به احیای برجام دارند در آینده شاهد این باشیم که مذاکراتی صورت بگیرد و چالش‌های بین دو طرف حل شود از این منظر هنوز هم می‌توان به احیای برجام امید داشت مگر اینکه رسماً اعلام شود که توافق کنار گذاشته شده است.

درپچه

سید جلال ساداتیان:

کره مذاکرات روحانی باز می‌شد دولت رئیسی تبعات مثبتش را می‌دید



یک دیپلمات پیشین اظهار داشت: وقتی زمینه اعتراض مردم ایجاد شده است، مسئولان باید چرایی آن را به دقت بررسی کنند. بخشی اقتصاد و بخشی هم مطالبه‌های اجتماعی را در ابراز وجود معترضان دخیل می‌دانند، اما عوامل ایجاد نارضایتی تک‌ساحتی نیستند. در واقع مدیریت ناکارآمد، تصمیم‌های اشتباه و غیر کارشناسی سهم و نقشی بسیار در شکل‌گیری وقایع اخیر داشته است. همچنین اختلاس، مسائل مالی و البته کم‌توجهی نسبت به مشکلات معیشتی مردم هم برای بروز اعتراض ایجاد انگیزه کرده است. سید جلال ساداتیان گفت: این شرایط به این دلیل است که سرمایه اجتماعی کمرنگ شده است... در حالیکه در دهه شصت با وجود موقعیت جنگی، مردم پای کار بودند و در واقع مردم امور را اداره می‌کردند و با جان و دل در صحنه‌های مختلف فعالیت می‌کردند وی افزود: تعداد شهدایی که داوطلبانه به جبهه رفته بودند، نشانگر میزان بالای اعتماد جامعه بود. امروز سرمایه اجتماعی کمرنگ شده است. در چنین موقعیتی افراد صاحب‌نظر و دانشگاهی می‌توانند یاری‌رسان باشند، اما به نظر از اهالی فن کم‌توجهی می‌شود نمی‌دانند که یکی از الزام‌های مهم برون‌رفت از بحران گفت‌وگو و تعامل با متخصصان است. دیپلمات پیشین وزارت خارجه ایران در واکنش به «درخواست برخی از سفارت‌ها برای خروج اتباع‌شان از ایران» بیان کرد: برخی کشورها به دلیل نگرانی‌ای که دارند، اتباع‌شان را به خروج از ایران توصیه می‌کنند، سفیر اسبق ایران در انگلستان درباره تأثیر سیاست خارجی بر رابطه مردم و حاکمیت اظهار داشت: در سیاست خارجی ایران بسیار پیش می‌آید که تصمیم‌هایی گرفته می‌شود که منافع ملی را تحت وشعائ قرار می‌دهد. اگر مخالفان برجام اجازه داده بودند، دولت روحانی با فراغ‌بال در مذاکرات شرکت کند، گر ه هسته‌ای باز می‌شد و همین دولت هم می‌توانست از تبعات مثبتش بهره‌برداری کند. ایران از همکاری با بازار بین‌المللی فقط چشم به چین و روسیه دارد. چین که حالا بنای همکاری با کشورهای منطقه دارد و حاضر است در صورت لازم ایران را هم دور بزند.

مصطفی هاشمی طباطبائی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

آینده ایران مورد غفلت قرار گرفته است

میزان مهاجرت و فرار سرمایه از کشور تشدید شده است

با چالش‌های جدی در زمینه توسعه پایدار مواجه هستیم

مشکلات کشور به تنهایی حل نمی‌شود

امروز پاسخ ضعیف‌تری از مذاکرات نسبت به قبل خواهیم گرفت



آرمان ملی – احسان انصاری: در شرایطی که التهابات اجتماعی فروکش کرده است برخی گروه‌های سیاسی تلاش می‌کنند این وضعیت را به مثابه پیروزی برای خود قلمداد کنند. در چنین شرایطی عقلانیت سیاسی حکم می‌کند سیاست‌هایی در پیش گرفته شود که از تکرار التهابات اجتماعی جلوگیری کند. سیاست‌هایی که امیدبخش باشد و بتواند سرمایه و اعتماد اجتماعی را افزایش بدهد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی دوران پس از پایان اعتراضات و رویکردی که مسئولان باید در پیش بگیرند با مهندس سید مصطفی هاشمی طباطبائی معاون سابق رئیس‌جمهور گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

◀ **جامعه ایران در ماه‌های اخیر روزهای پر التهابی را پشت سر گذاشت که در هفته‌های اخیر فروکش کرده است. در شرایط کنونی چه سیاست‌هایی باید اتخاذ شود که جامعه به سمت حل مشکلات به صورت مسالمت آمیز حرکت کند؟**

اگر ما یک دلیل مشخص برای اعتراضات در نظر بگیریم منطقی نیست، بلکه اعتراضاتی که در کشور شکل گرفت.

افراد مختلفی که در اعتراضات حضور داشتند دلایل مختلفی برای این کار داشتند. هر چند نمی‌توان تحریکات بیگانگان را نیز در نظر نگرفت. به هر حال در طول مدتی که در ایران اعتراضات شکل گرفته بود رسانه‌های معاند و کشورهای مختلف تلاش می‌کردند به شکلی که دوست داشتند وضعیت داخلی ایران را نشان بدهند. چرا در کشوری مانند آلمان عوامل خارجی نمی‌توانند در مناسبات داخلی آن تأثیر بگذارند. دلیل این

موضوع این است که زمینه این کار وجود ندارد. این در حالی است که در کشور ما از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زمینه برای اعتراض گروه‌های مختلف فراهم است. نکته مهمی که وجود دارد موضوع آینده ایران، وضعیت زیست محیطی و کشاورزی و آینده زندگی مردم ایران است. برخی عنوان می‌کنند برای مدیریت بهتر کشور باید قانون را تغییر داد. این اتفاق در هر زمان و مکانی امکان پذیر است. با این وجود این موضوع که منابع طبیعی ایران به خطر افتاده و ما با چالش‌های جدی در زمینه توسعه پایدار خود مواجه شده‌ایم به راحتی قابل جبران نیست. نکته قابل تأمل این است که نسبت به این موضوع مهم توجهی صورت نمی‌گیرد، بلکه بیشتر به مسائل سیاسی و اقتصادی توجه می‌شود...

◀ **نادیده گرفتن چالش‌های توسعه پایدار چه پیامدهایی دارد؟**

منابع طبیعی یک شبه به وجود نیامده‌اند که یک شبه از بین بروند و نیازمند گذر زمان است. در شرایط کنونی منابع طبیعی‌مان در معرض آسیب جدی است و ما در زمینه‌های مختلف زیست محیطی با چالش مواجه هستیم. در شرایط کنونی ما به این نقطه رسیده است. در نتیجه نمی‌توان به یک باره برای آن راه حل پیدا کرد. آیا کسی برای فرونشست زمین در مناطق مختلف کشور راهکاری اندیشیده است؟ تنها برخی افراد که به آینده کشور و محیط زیست آن علاقه دارند نسبت به این وضعیت اعتراض می‌کنند اگر برای چالش‌های جدی کشور فکری نشود و اقدام عاجلی صورت نگیرد در آینده

با مشکلاتی مواجه خواهیم شد. من با عینک سیاسی به موضوع نگاه نمی‌کنم، بلکه موضوعی که به آن توجه می‌کنم سرزمینی و وحدت ایران است. بدون تردید اگر این موضوعات مورد توجه قرار نگیرد هر اتفاق دیگری کمکی به آینده کشور نخواهد کرد. تفاوتی هم نمی‌کند که چه کسی رئیس‌جمهور یا چه کسی مدیر باشد. مهم این است که باید نگاهی جدی به موضوعات اساسی کشور صورت بگیرد.

◀ **برخی پس از اینکه اعتراضات فروکش کرده آن را به مثابه یک پیروزی سیاسی برای خود قلمداد می‌کنند. آیا این رویکرد به این مسأله درست است؟**

این تلاش‌ها منطقی نیست نظرسنجی‌های رسمی که صورت می‌گیرد عنوان می‌شود افراد با اغتشاشات مخالف هستند. وضعیت امروز ایران مانند شرایط جنگ نیست که یک طرف پیروز شده و طرف دیگر شکست خورده باشد. در شرایط کنونی آنچه تحت

تأثیر اتفاقات اخیر در کشور قرار گرفته منافع ملی و زندگی مردم بوده است. روند جامعه ما روند سینیوسی به خود گرفته و جامعه ما با فراز و نشیب‌های زیادی مواجه شده است. به همین دلیل باید مسائل مختلف کشور را از ابعاد متفاوت مورد تحلیل و بررسی قرار داد.

◀ **تربیون‌های رسمی در ایران به چه میزان به وحدت جامعه کمک می‌کند؟**

برخی فکر می‌کنند با یکدست شدن حاکمیت همه مشکلات کشور حل شده است. گروه حاکم اگر حتی در اکثریت باشد اگر به همه مشکلات مردم از هر جناح و قشری توجه نکنند یکدست شدن حاکمیت سودی به‌همراه نخواهد داشت. سوال مهم در این زمینه این است که از زمانی که حاکمیت یکدست شده آیا مسئولان موفق شده‌اند کار خاصی برای اقتصاد کشور انجام بدهند یا خیر؟ آیا

مسئولان موفق شده‌اند برای خروج سرمایه از کشور و مهاجرت مغزها چاره‌ای بیاندیشند؟ وضعیت امروز جامعه ایران به صورتی است که هیچ گروه سیاسی نمی‌تواند مدعی شود که می‌تواند همه مشکلات را به تنهایی حل کند. وحدت زمانی در کشور به وجود می‌آید که همه گروه‌های سیاسی و اجتماعی در کنار هم به آینده کشور کمک کنند. معنای وحدت این نیست که اگر کسی با من موافق است در نتیجه وحدت رخ داده و اگر با من مخالفت کند برخلاف وحدت جامعه حرکت کرده است. این تعریف از وحدت نتیجه بخش نیست و بلکه وحدت باید به معنای این باشد که همه مردم و گروه‌های سیاسی در تصمیم‌گیری مشارکت داشته باشند. اگر رویکردها تغییر کند و شرایط برای مشارکت همه در تصمیم‌گیری‌ها به وجود بیاید ما می‌توانیم از بسیاری از چالش‌های موجود عبور

کنیم.

◀ **برای تغییرات سازنده باید مدیران را تغییر داد یا سیاست‌ها را؟**

در مرحله نخست باید سیاست‌ها تغییر کند و پس از آن مدیرانی که از توانایی و کارآمدی کافی برخوردار نیستند تغییر کنند. من این گزاره را که برخی عنوان می‌کنند و معتقدند دولت آقای رئیسی ضعیف بوده را قبول ندارم و معتقدم بسیاری از دولت‌های ما در گذشته یا حداقل بسیاری از وزرای ما ضعیف بوده و عملکرد قابل قبولی نداشته‌اند. بنده بیش از ده سال در دولت‌های مختلف حضور داشته‌ام و به خوبی وضعیت را درک می‌کنم. در اغلب دولت‌ها گزینش مدیران با چالش مواجه بوده و مدیران به شکلی انتخاب نشده‌اند که متناسب با جایگاه آنها باشند. در اغلب دولت‌ها کسانی که اطراف رئیس‌جمهور بودند یا در زمان انتخابات در ستادها حضور داشتند به عنوان مدیر انتخاب می‌شدند. در چنین شرایطی به توانایی‌ها و تخصص افراد توجه نمی‌شود. مشکل اصلی ما در این زمینه سیاست‌ها و رویکردهایی است که در پیش گرفته‌ایم. آن چیزی که به عنوان برنامه توسعه در کشور نوشته شده یا مانند آقای احمدی نژاد گفته شد که آن را به خمیر تبدیل کرده‌اند و یا مانند آقای روحانی به آن توجه کنند. در شرایط کنونی نیز دولت عنوان می‌کند بودجه را در اختیار دستگاه‌های اجرایی قرار می‌دهد بدون اینکه برنامه تنظیم شده‌ای داشته باشد. من معتقدم با توجه به شرایط موجود اگر برنامه نیز تدوین شود رویکردها و سیاست‌ها تغییر خواهد کرد. مشکلات کنونی نیز تنها به سیاست‌های دولت فعلی بستگی ندارد و بلکه این دولت نیز وارث سیاست‌های اشتباه دولت‌های گذشته بوده است. اگر سیاست‌های مدیریت کشور به شکلی باشد که برای کشور توسعه ایجاد کند مردم نیز حاضر خواهند بود مشارکت کنند. این در حالی است که چنین رویکردی در کشور وجود ندارد.

◀ **وضعیت امروز جامعه ایران به صورتی است که هیچ گروه سیاسی نمی‌تواند مدعی شود که می‌تواند همه مشکلات را به تنهایی حل کند. وحدت زمانی در کشور به وجود می‌آید که همه گروه‌های سیاسی و اجتماعی در کنار هم به آینده کشور کمک کنند. معنای وحدت این نیست که اگر کسی با من موافق است در نتیجه وحدت رخ داده و اگر با من مخالفت کند برخلاف وحدت جامعه حرکت کرده است**

به نظر می‌رسد پس از اتفاقاتی که در ایران رخ داد آمریکا و کشورهای اروپایی خود را کنار کشیده‌اند و تلاش می‌کنند با رویکرد دیگری رفتار کنند. در چنین شرایطی اگر مذاکرات نیز ادامه پیدا کند کشورهای غربی تقاضاهای بیشتری از ما خواهند داشت و مقابل پاسخ‌های مثبت کمتری نیز به درخواست‌های ما خواهند داد. نکته دیگر اینکه جزئیات دقیقی از محتوای مذاکرات هسته‌ای منتشر نشده است. ما درخواست‌های بحق داشته‌ایم، اما کشورهای غربی قبول نکرده‌اند. در چنین شرایطی ما نباید از خواسته‌های بحق خود عقب نشینی کنیم. با این وجود آن چیزی که مهم است این است که مصلحت کشور چیست و با چه رویکردی می‌توان به این مصلحت دست پیدا کرد. با همه این اوصاف من فکر می‌کنم شرایط به شکلی پیش رفته که ما امروز پاسخ ضعیف‌تری از مذاکرات نسبت به قبل خواهیم گرفت.

فرارو

ایجاد موازنه در سیاست‌گذاری

با بالا رفتن نرخ دلار در بازار آزاد و به تبع آن افزایش قیمت‌ها در حوزه‌های مختلف، بار دیگر بحثی قدیمی پیرامون نوع مواجهه با بحران موضوعیت پیدا کرده است. بحثی با این مضمون که مسیر گریز از بحران در کشور را باید در «داخل» یا در «خارج» جست‌وجو کرد. حالا همین موضوع نیز برای نوع مواجهه دولت با مسائل و مشکلات فعلی کشور در مقام مساله‌ای جدید قابل طرح است. در این زمینه دو نگاه، دو رویکرد، دو استراتژی طی دهه‌های متمادی مطرح و موجودیت داشته‌است. هرچند مرزبندی مشخص و شفاف‌ی میان این دو رویکرد وجود ندارد، اما در نمایی کلی همواره بحثی بزرگ پیرامون این موضوع وجود داشته که راه‌حل مدیریت صحیح کشور و حل مسائل موجود چیست؟ در پاسخ به این پرسش‌ها اندکی تسامح در خوانش رویکرد، یک دیدگاه همواره اولویت و تقدم را به حل مشکلات کشور در تعامل با خارج (سیاست خارجی) و دیدگاه دیگر در مواجهه با مسائل بر پتانسیل‌های داخلی و اصلاح مدیریت در داخل (سیاست داخلی) تأکید دارد. در وضعیت کنونی نیز که دولت به تدریج با واقعیت‌های اقتصاد در کشور آشنا تر شده، حالا این مباحث اهمیتی دو چندان پیدا کرده و رویکرد دولت نسبت به هر یک از این رویکردها نیز اهمیتی فوق‌العاده پیدا کرده‌است.

◀ دوگانه‌ای نامتوازن

قبل از طرح پیشنهادی برای گذار از مسائل فعلی کشور، ضروری به نظر می‌رسد که استدلال‌ها و فرضیات دو رویکرد مدیریتی موجود تا حدودی مورد شرح و تبیین قرار بگیرد. در ابتدا توجه به این نکته ضروری است که مجادله قابل طرح در میان دو رویکرد محل بحث شاید در اکثریت کشورهای جهان موضوعیت نداشته باشد. ریشه‌یابی و مدیریت بحران بر مدار «خارج» طی سال‌های جاری یکی از رویکردهای فعال ارجاع دادن ریشه و راه‌حل بحران بر مدار نگاه به خارج یا تمرکز بر سیاست خارجی است. برخلاف تصورات اولیه این نگاه تنها معطوف به جناحی نیست که با القابی همچون اصلاح‌طلب، لیبرال، میانه‌رو و... شناخته می‌شود، بلکه طیفی از اصول‌گرایان نیز در همین چارچوب قرار می‌گیرند. هر دو گروه استدلال‌شان این است که ریشه بسیاری از مسکلات قبلی، فعلی و آتی کشور را باید در خارج از کشور جست‌وجو کرد. جناح غرب‌ستیز تحریم‌های غرب را در مسیر دشمنی با انقلاب مورد ارزیابی قرار می‌دهد و جناح مخالف آن‌ها، تحریم‌ها را نتیجه عدم مدیریت صحیح مناسبات تهران با جامعه جهانی در سیاست خارجی ارزیابی می‌کند، اما همین دو طیف مجدداً بر این باور هستند که بخش عمده مشکلات کنونی از منفذ سیاست خارجی قابل حل است. جناح معتدل و لیبرال بر این باور است که باید برای حل مشکلات کنونی کشور به ویژه در سطح اقتصادی، رویکرد گسترش مناسبات با جامعه جهانی در پیش گرفته‌شود. در مقابل، طیف دیگر بر این باور است که با گذار از غرب و ورود به اتحاد با قدرت‌های شرقی و کشورهای پیرامونی، تحریم‌ها و فشارهای غرب بیه‌اثر خواهند شد و مشکلات فعلی کشور حل خواهد شد. در واقع، نگاه آنها همان رویکردی است که به عنوان دکترین «نگاه به شرق» نیز شناخته می‌شود. ماحصل فکری هر دو جریان این است که بدون معطوف کردن تمرکز بر حوزه سیاست خارجی و پتانسیل‌هایی که از طریق مناسبات با شرق یا غرب می‌توان گرفت، مشکلات قابل حل نخواهند بود؛ لذا اولویت و اولیت در حوزه سیاست‌گذاری برای مدیریت کارآمد کشور باید بر مبنای تمرکز بر مدار مناسبات با خارج از مرزهای ایران باشد. ریشه‌یابی و مدیریت بحران بر مدار «داخل»، در مقابل رویه نخست، رویکردی دومی نیز در سال‌های گذشته در عرصه میدان سیاست در کشور حضور داشته‌اند که هم علت و هم راه‌حل را در میدان سیاست داخلی می‌بینند. طرفداران این رویکرد نیز هم جناح اصول‌گرا را شامل می‌شود و هم جریان‌های به اصطلاح میانه‌رو را. استدلال رویکرد حاضر این است که ریشه اصلی مشکلات کشور را باید در مدیریت و سیاست‌گذاری‌های داخلی جست‌وجو کرد. در واقع، به‌مدیریتی، سیاست‌گذاری‌های نادرست، وجود درآمدهای رانتی و فساد در برخی بخش‌ها و... ریشه اصلی مسائل بوده و حتی تحریم‌های خارجی نیز چندان تأثیری در مشکلات کشور ندارد. این رویکرد، راه‌حل خروج از مسائل و مشکلات کشور را نیز در مدیریت صحیح و اصلاح سیاست‌گذاری‌ها در داخل کشور می‌بیند. در این بین برخی از متخصصان، بر این باور هستند که باید راه‌حل را در داخل جست‌وجو کرد، اما نگاه آنها تا حدود زیادی به صورت مساله متفاوت است. تندر و هافشارهای تحریم‌ها، می‌توانند زنجار دایبی را ایجاد کنند که اهمیت ارزیابی می‌کنند و معتقد هستند با تکیه بر پتانسیل‌های داخلی می‌توان بر مشکلات فائق شد. در مقابل میانه‌روها بر این باور هستند که با وجود تحریم‌ها، می‌تواند سیستم مدیریت و قوانین کشور در برخی زمینه‌ها متحول شود. با توجه به مولفه‌ها و استدلال‌های مطرح شده از سوی هر دو رویکرد، حالا مساله اساسی این است که دولت سیزدهم بر مدار کدامیک از رویکردها، ریشه مسائل و راه‌حل را در چه می‌بیند؟ در ارزیابی رویکرد دولت می‌توان از رویکردی سخن به میان آورد که از تسکین ریشه مشکلات را به داخل ارتباط می‌دهد و از سوی دیگر، راه‌حل را نیز در داخل می‌بیند. از دید برخی دولتمردان، ریشه و بانی تمامی مشکلات کنونی در سیاست‌های دولت حسن روحانی است. آنها طی قریب به ۱۶ ماه بعد از دولت رسیدن در پاستور، همواره تأکید می‌کنند که سیاست خارجی دولت‌های یازدهم و دوازدهم در اتکا به تنش‌زایی با غرب اشتباه محض بود. حالا نزدیک به یک سال و نیم از عمر دولت می‌گذرد و آنچه در عمل اتفاق افتاده، عدم تحقق برخی از وعده‌هاست. به نظر می‌رسد بیش از گذشته برای مدیریت کشور نیازمند ایجاد موازنه در سیاست‌گذاری هستیم.